

خبر

آشنایی با نویسنده فلسطینی نامزد بوکر بین‌المللی



بخش فرهنگی – چندی پیش فهرست نامزدهای اولیه جایزه بوکر بین‌المللی ۲۰۲۱ اعلام شد که در این بین نام «عدنیه شبلی» نویسنده فلسطینی نیز به چشم می‌خورد.

به نقل از نشنال. «عدنیه شبلی» نویسنده فلسطینی است که اخیرا برای کتاب «جزئیات کوچک» با ترجمه «لیزابت ژکت» به عنوان یکی از نامزدهای اولیه جایزه ادبی بوکر بین‌المللی معرفی شد. «شبلی» که در سال ۱۹۷۴ در فلسطین متولد شده از اوخر دهه ۹۰ آثارش را در سراسر جهان عرب و اروپا به چاپ رسانده است. او نگارش رمان، نمایش‌نامه، داستان‌های کوتاه و مقالاتی را در کارنامه خود به ثبت رسانده است. آثار این نویسنده به زبان‌های مختلفی از جمله آلمانی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی و کره‌ای ترجمه و چاپ شده است.

او همچنین دو دوره به عنوان برنده جایزه نویسنده جوان موسسه عبدالمحسن القطن انتخاب شده است:نخستین‌بار در سال ۲۰۰۱ برای کتاب «رسیدن» که رمان کوتاهی حول داستان کوچک‌ترین خواهر یک خانواده فلسطینی است و دومین‌بار در سال ۲۰۰۳ برای کتاب «همه به یک اندازه از عشق دوریم»؛ این کتاب داستان یک مامور پست است که مجموعه‌ای از نامه‌های عاشقانه رمزآلود را کشف می‌کند.

«شبلی» علاوه بر نگارش سه رمان عربی خلق چند اثر غیرداستانی را نیز تجربه کرده است.

این نویسنده تحصیلات خود را در مقطع دکتری در دانشگاه شرق لندن به پایان رسانده و اغلب اوقات نیز به تحقیقات دانشگاهی می‌پردازد. «شبلی» همچنین به عنوان استاد میهمان در دانشکده فلسفه و مطالعات فرهنگی دانشگاه «بیرزیت» فلسطین فعالیت داشته است.

جدیدترین رمان «شبلی» شامل دو دوره زمانی می‌شود و حول داستان یک جرم بی‌رحمانه که در تابستان ۱۹۴۹ در فلسطین رخ داده نوشته شده است. در این داستان سربازان اسرائیلی مرتکب قتل یک دختر نوجوان می‌شوند و او را دفن می‌کنند.سال‌ها بعد یک زن جوان ساکن فلسطین از اتفاقات حول این واقعه مطلع می‌شود.

این کتاب از زمان انتشارش با استقبال گسترده حلقه‌های ادبی سراسر جهان مواجه شده است. اگرچه «شبلی» به چند زبان دنیا تسلط دارد اما رمان‌هایش را فقط به زبان عربی می‌نویسد چراکه معتقد است عربی یک زبان مسحورکننده است.

اغلب نوشته‌های این نویسنده با تمرکز بر فلسطین نوشته شده با این حال خود «شبلی» معتقد است توجه او نسبت به زادگاهش بیش از آن‌که در ادبیاتش نمود پیدا کند یک مسئله شخصی است. «من در زاغه‌ها زندگی می‌کنم» اثر «کان خو»، «شب‌ها همه خون‌ها سیاه است» نوشته «دیوید دیوپ»، «مزرعه گلایی» به قلم «نانا اکوتیمیشولی»، «خطرات سیگار کشیدن در رختخواب» اثر «ماریانا نیکز»، «وقتی جهان را درک نمی‌کنیم» به قلم «بنجامین لاباتوت»، «۹ نفر بی نقص» نوشته «نگوگی وا تیانگو»، «کارمندان» اثر «الگا ریون»، «برادر تابستان» نوشته «جاپ روین»، «مجموعه شکست‌ها» اثر «جودیت شالانسکی»، «به یاد خاطره» نوشته «ماریا استوپونوا»، «جزئیات کوچک» نوشته «عدنیه شبلی»، «بیچارگی» نوشته «آندرزج تیچی» و «جنگ بیچارگان» به قلم «اریک ویلارد» فهرست کامل نامزدهای اولیه بوکر بین‌المللی ۲۰۲۱ را تشکیل می‌دهند.

نامزدهای نهایی این جایزه ادبی در بیست و دوم آوریل معرفی خواهند شد.

.....●●●●●

موفقیّت دو فیلم ایرانی در جشنواره دهلی نو

بخش فرهنگی – دو فیلم «قطار آن شب» ساخته حمیدرضا قطبی و «مرده‌خور» ساخته صادق صادق‌دقیقی موفق به کسب جایزه از چهارمین دهلی‌نو هندوستان شدند.

به گزارش ایسنا، فیلم «قطار آن شب» به کارگردانی حمیدرضا قطبی، برنده جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی و همچنین جایزه رُز سرخ برای بهترین فیلم آکران شده در فاصله زمانی ژانویه ۲۰۱۸ تا نوامبر ۲۰۲۰ میلادی از چهارمین دوره جشنواره دهلی‌نو هندوستان شد. همچنین لیندا کیانی جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن برای فیلم «مرده‌خور» به کارگردانی صادق صادق‌دقیقی را از این جشنواره بین‌المللی به دست آورد.

.....●●●●●

بازگشت سریال محبوب و ستاره‌هایش

بخش فرهنگی – پس از چند ماه تأخیر به دلیل شیوع کرونا، سرانجام ستاره‌های سریال محبوب «فرندز» برای ساخت قسمتی تازه از آن جلوی دوربین می‌روند.

به گزارش خبرگزاری خیرانلین، مت لویالنک، جنیفر انیستون، کورتنی کاکس، دیوید شوئنیمز و لیزا کوردو، ستاره‌های سریال «فرندز» پس از دو دهه گرد هم می‌آیند.

آنها در ابتدا قرار بود که اوایل سال ۲۰۲۰ دست به کار ساخت «تجدیدیدار فرندز» شوند که با شیوع کرونا کارشان به تعویق افتاد و قرار است از این هفته جلوی دوربین بروند.

هر کدام از ستاره‌های سریال «فرندز» برای حضور در این گردهمایی ویژه تلویزیونی بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار دستمزد دریافت خواهند کرد.

سرویس استریم آنلین «آچیبی‌و مکس» امتیاز انحصاری پخش سریال «فرندز» را با پرداخت ۴۰۰ میلیون دلار از چنگ نفلیکس بیرون آورد و حالا با ارائه «تجدیدیدار فرندز» قصد دارد کاربران را به سمت خود بکشاند. «فرندز» از محبوب‌ترین سریال‌های تلویزیونی است که سال‌ها پس از پایان یافتن هنوز هوادار دارد.

{فرهنگ و هنر }

«برادران کاسترو» حافظ جایزه صلح نوبل ارنست همینگوی

خالق «پیرمرد و دریا» مدال خود را به مردمان سرزمین قهرمانش تقدیم کرد

او که در حادثه هواپیمای افریقایی به شدت صدمه دیده بود، توانایی حضور در مراسم جایزه نوبل را نداشت. متن سخنرانی او توسط «جان ام. کبوت» سفیر وقت ایالات متحده در سوئد در مراسم خوانده شد. نویسنده وداع با اسلحه در



متن سخنرانی خود نوشت: «من استعدادی برای سخنوری ندارم. همچنین تسلطی بر سخنوری یا لفاظی نیز ندارم. پیش از هر چیز، من از هیات داوران سخاوتمند نوبل تشکر می‌کنم.

این نویسنده وجود ندارد که نویسندگان بزرگ که موفق به دریافت این جایزه نشده‌اند را بشناسد و این جایزه را با فروتنی تمام بپذیرد. نیازی نیست تا از این نویسندگان نام ببریم. هر شخصی می‌تواند با توجه به دانش و وجدان خود در اینجا حاضر شود.

برای من سخت و غیرممکن است تا از سفیر کشور خود درخواست کنم تا متن سخنرانی من را بخواند. نویسنده در متن سخنرانی خود؛ تمام احساساتش را بیان می‌کند، آنچه که روی کاغذ می‌آورد از دل برآمده است. شاید بتوان گفت، تمام مواردی که این نویسنده می‌نویسد برای مخاطبان قابل تشخیص نباشد. نویسنده در این صورت، نویسنده گاهی خوش‌شانس است اما در نهایت تمام موارد برای مخاطبان واضح و روشن خواهد شد. یک نوشته با توجه به قدرت جادویی خود برای همیشه جاودان خواهد شد یا گرد فراموشی آن را فر خواهد گرفت.

در بهترین حالت، نویسنده‌گی را می‌توان یک زندگی تنها توصیف کرد.

سیروس الوند مطرح کرد:

باید دید در جامعه‌ای که هفت‌تیرکشی کم دارد چرا آدم‌ها خلافکار می‌شوند؟ مردم به خلافکاران سینمایی علاقمندند

وی ادامه داد: من در برخی از فیلم‌هایی که ساختم مثل «هتل کارتون»، «برگ برنده» و حتی «مزاحم» سعی کردم به این موضوع اجتماعی بپردازم. «دست‌های آلوده» و «رستگاری در هشتاد و بیست دقیقه» و مشخصا «یک بار برای همیشه» به همین موضوع پرداخته است.



الوند با اشاره به فیلم «یکبار برای همیشه» بیان کرد: در فیلم «یکبار برای همیشه» دو موضوع اجتماعی و خانوادگی با هم گره خورده، یکی مسئله سقط جنین و دیگری مهاجرت که در آن زمان خیلی باب شده بود. این فیلم به این موضوع اشاره دارد که آیا یک فرد در مقابل یک برهه آزمایشگاه که وجود نطفه‌ای را خبر می‌دهد، با یک انسان سر و کار دارد و یا اینکه چون آن را ندیده می‌تواند بگوید یک برهه کاغذ است، و سقط جنین کند.

وی تأکید کرد: حرف من در فیلم «یکبار برای همیشه» این است که همان تکه کاغذ یک‌انسان است، چون نطفه زندگی و حیات دارد. کما اینکه مردم داستان تمام تلاش خود را می‌کنند تا این نطفه را از سر راه خود بردارند اما موفق نمی‌شوند، انگار که آن نطفه با این مرد می‌جنگد و در آخر او را شکست می‌دهد و به دنیا می‌آید و به همین دلیل این فیلم را با یک جنین شروع و با یک بچه به پایان رساندم. کارگردان «یکبار برای همیشه» اذعان کرد: این فیلم به جنگ‌زده‌هایی که در آن سال‌ها به اجبار به تهران آمده بودند نیز اشاره دارد. دختر قصه فیلم جنگ‌زده است و اصلا وضعیت مالی خوبی ندارد اما همچنان به سرزمین و خاک و وطن خود ایمان و تعصب دارد. وقتی دکتر می‌گوید حیف چه آبادانی بود، می‌گوید هنوز هم هست، او معتقد به ماندن و بازسازی مناطق جنگ‌زده و بازسازی هویت خود بود. وی ادامه داد: موضوع دیگری که فیلم به آن اشاره کرده، موضوع مهاجرت بود که در دهه ۷۰ زیاد با آن سر و کار داشتیم. در آن دوران مهاجرت جوانان به ژاپن برای کار بسیار زیاد شده بود و در ژاپن به هر کاری تن می‌دادند چون ویزا هم احتیاج نبود، خیلی از نیروهای جوان ما در آن دوران به ژاپن عزیمت کردند. همه این مسائل را در یک فیلم و در یک قصه ساده می‌خواستم بیان کنم. خیلی سناریوی سختی بود اما ارزش این را داشت که زمان بگذارم تا بتوانم آن را درست به اجرا درآورم و یک فیلم خوب حاصل شود.

کارگردان «فریاد زیر آب» درباره فیلم‌های که این سال‌ها در سینمای ما ساخته شده است، بیان کرد: امروز فیلم های ما ژانر خاصی ندارند، انگار ژانر در فیلم‌های ما گم شده است و نمی‌توان آنها را به ژانر خاصی در سینما نسبت داد و ارزیابی کرد. یک فیلم متعلق به هیچ ژانر خاصی نیست و یا چند ژانر را می‌خواهد با هم داشته باشد.

وی ادامه داد: برخی از ژانر‌ها را هم به طور کلی در ایران نداریم مثلا ما در ایران هیچ وقت ژانر وحشت نداشتیم، چند فیلم ترسناک داشتیم اما با چند فیلم نمی‌توان

پنجشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۰

تشکل‌ها و گروه‌های متعددی برای نویسندگان درنظر گرفته شده است، این تشکل‌ها تنها احساس تنهایی یک نویسنده را تسکین می‌دهند اما تأثیری در بهبود آثار او ندارند.

وقتی یک نویسنده به شهرت می‌رسد و از شر پبله تنهایی خود رها می‌شود، اغلب آثار او کیفیت خود را از دست می‌دهند. دلیل این موضوع این است که او کارش را به تنهایی انجام می‌دهد و اگر در نویسندگی به اندازه کافی خوب باشد باید هر روز با جاودانگی یا فقدان آن روبرو شود.

هر کتاب باید برای نویسندگان واقعی، شروعی تازه باشد. آن‌ها در این عرصه جایی برای چیزی تلاش می‌کنند که فراتر از دستیابی است. نویسندگان باید همواره در تلاش باشند، کوشش برای مواردی که هرگز انجام نشده یا دیگران آن را امتحان کرده و در آن راه شکست خورده‌اند. من زیاده‌روی کردم و پای خود را به عنوان یک نویسنده بیشتر از گلیمم دراز کردم. یک نویسنده باید آنچه که در ذهن دارد را روی کاغذ بیاورد و درباره آن سخن به زبان نیاورد.

و اینجاست که همه چیز کمی عجیب می‌شود.»

پس از کسب جایزه صلح نوبل، همینگوی تصمیم گرفت تا مدال طلای ۲۳ عیار خود را به مردم کوبا تقدیم کند. دلیل تصمیم نویسنده به این دلیل بود که داستان «پیرمرد و دریا» در سواحل شمالی کشور آن‌ها اتفاق می‌افتد. همینگوی هرگز در بی این موضوع نبود تا جایزه خود را به دولت باتیستا اهدا کند. به همین دلیل،

.....●●●●●

جایزه‌اش را به کلیسای کاتولیک کوبا داد. همینگوی در سال ۱۹۶۱ چهره در خاک کشید. جایزه صلح نوبل او به مدت ۳۰ سال در یک مکان مقدس واقع در «ال کوبره»، شهری کوچک خارج از «سانتیاگو د کوبا» در سواحل جنوب‌شرقی جزیره نگهداری می‌شد. اگرچه این جایزه تا مدت‌ها پس از مرگ او از گزند سارقان محفوظ مانده بود اما در سال ۱۹۸۶ سارقان با حمله به آن مکان مقدس، محفظه شیشه‌ای این مدال را شکستند و آن را به بیغما بردند.

هنگامی که خبر سرقت مدال به برادران انقلابی کاسترو رسید، آن‌ها از این خبر متاثر شدند. کاستروها به همینگوی لقب «یک پانکی که همیشه در این جزیره از او استقبال می‌شود» را داده بودند. شنیده‌ها حاکی از آن است که «رائول کاسترو» (معاون رئیس‌جمهور، وزیر دفاع و دبیر دوم حزب کمونیست وقت)، با یک اولتیماتوم تمام عیار، سارقان را تهدید کرد. اینطور بیان می‌شود که او به سارقان مهلتی ۷۲ساعته داد تا آن مدال را به محل خود بازگردانند. کاسترو مدعی بود که تمامی سارقان را می‌شناسد.

پس از گذشت چند روز، مدال به کلیسا برگردانده شد و دیگر هرگز به نمایش عموم درنیامد.

.....●●●●●

سیروس الوند مطرح کرد: باید دید در جامعه‌ای که هفت‌تیرکشی کم دارد چرا آدم‌ها خلافکار می‌شوند؟ مردم به خلافکاران سینمایی علاقمندند

ژانر درست کرد. در تاریخ سینمای ایران اگر فیلم‌های ژانر وحشت را در کنار هم بگذاریم جمعا ۱۰ فیلم نمی‌شود.

الوند عنوان کرد: متأسفانه فیلم‌های ژانر کمدی ما الان به فیلم‌های خنده‌دار تبدیل شده‌اند که فقط می‌خواهند مخاطب را بخندانند و موقعیت‌ها هم خیلی موقعیت‌های سطحی است و از فیلم‌فارسی‌های ۵۰ سال پیش هم عقب‌تر است. چندی پیش برای دیدن برخی فیلم‌ها و به اصرار دوستان به سالن سینما رفتم و فقط به خاطر رودربایستی بود که در سالن ماندم اما واقعا صحنه به صحنه توهین به مخاطب بود، اما مردم می‌خندیدند و فیلم‌ها هم فروش دارد، وقتی هم حرفی می‌زنیم، می‌گویند مردم فیلم را دوست داشتند و خوب هم فروخته است.

وی تأکید کرد: مردم به قدری گرفتاری دارند که دیگر دوست ندارند در سینما فیلم جدی ببینند، خودشان می‌دانند که فیلم مزخرف است. آنها به سالن سینما رفته‌اند تا دو ساعت فقط و هر طور که شده بخندند و به چیزی فکر نکنند. اگر قرار بود با فکر به دیدن فیلم بروند ۱۰ دقیقه هم آن را تحمل نمی‌کردند و سالن را ترک می‌کردند.

کارگردان «دست‌های آلوده» درباره فیلم‌هایی که شخصیت منفی قصه قهرمان فیلم است، گفت: در اوایل دهه هشتاد «دست‌های آلوده» الگوی خیلی از فیلم‌ها شد و خیلی فیلم‌ها را دیدم که تقریبا مثل «دست‌های آلوده» ساخته شده بودند در آن حال و هوا و حتی پوستر آنها هم کپی بود و این نشان می‌دهد که مردم این سبک فیلم‌ها را دوست دارند و برای دیدنش به سینما می‌روند.

وی اظهار کرد: موج نو فرانسه بر اساس فرمول اینکه قهرمان داستان خلافکار بود، شکل گرفت و مثلا ژان پیر لویول را به عنوان قهرمان جنایتکار می‌شناختند. از فیلم‌های شاخص این موج نو «از نفس افتاده» ژان لوک گدار است. در ایران هم دو فیلم با تأثیر از آن فیلم ساخته شده، یکی «تنگنا»ی امیر نادری و «صبح روز چهارم» کامران شیردل است. در اینجا شخصیت اصلی یک خلافکار است اما به مرور مردم به خلافکار علاقه‌مند شده و نگران او می‌شوند و دوست دارند که یک جوری از مملکه فرار کند.

الوند ادامه داد: قبل از انقلاب زمانی که آلن دلون به ایران آمده بود و من یک خبرنگار جوان بودم، یک مصاحبه مطبوعاتی با او انجام شد که در این جلسه این پرسش از او شد که چرا اینقدر نقش دزد و خلافکار بازی می‌کند و او جواب داد چون پلیس حوصله تماشاگر را سر می‌برد. هر گاه پلیس در فیلم حضور پیدا می‌کند فیلم باید تمام شود چون می‌خواهد قاتله را ختم کند. یعنی دیگر نه صدایی، نه هیجانی و نه صحنه جذابی در فیلم وجود نخواهد داشت و این خلاف آن چیزی است که سینما و مخاطب می‌خواهد. این دزد قصه است که قضا و هیجان ایجاد می‌کند و مخاطب می‌خواهد که در زمات دیدن فیلم هیجان داشته باشد، ضد قهرمان دوست داشتنی در فیلم هیجان ایجاد کرده و مخاطب را با خود همراه می‌کند.

نویسنده و کارگردان فیلم «چهره» افزود: البته آلن دلون یک بار هم نقش پلیس بازی کرد در فیلمی با عنوان «یک پلیس» (UN FLIC) اما بازخورد خوبی نگرفت و فهمید که مردم دوست ندارند آدم خوب و مثبت داستان باشد. آلن دلون آدم بد را خوب جلوه می‌داد و مردم این را دوست داشتند. شروع این نوع شخصیت‌پردازی از فیلم «سامورایی» و «دایره سرخ» و ژان پیر لویول است و در آثار آن دهه فرانسه زیاد داریم، فیلم‌هایی که شخصیت‌های اصلی خلافکار هستند اما به عنوان یک موجود انسانی به آنها نگاه شده، که این خلافکار هم به هر حال یک انسان است. وی در پایان بیان کرد: در جوامعی مانند کشور ما که هفت‌تیرکشی و آدم‌کشی خیلی کم وجود دارد، بایستی با بررسی و آسیب‌شناسی به این پرسش رسید کسی که پدر و مادر و خانواده دارد چطور به راه خلاف کشیده می‌شود و همین چطور کشیده شدن او به سمت خلاف موضوع یک فیلم است. اکنون هم اگر کار خوب و درستی در این زمینه و با این موضوع ساخته شود، هم می‌تواند فیلم خوبی باشد و هم مردم از آن استقبال خواهند کرد و تماشاگران را با خود همراه می‌کند.